

مزارعیر ۱۵۱

از مجموعه کتابهای  
آپوکریفا

مترجم: داود کاظمیان

کاری از سازمان رازگاه

## معرفی

این مزمور به عنوان نگارشی از خود داود پادشاه به او منسوب شده و بعد از مبارزه فردی او با جلیات به تحریر درآمده است. این مزمور خارج از تعداد مزامیر موجود در کتاب مقدس که ۱۵۰ عدد است قرار دارد. کتاب مزامیر داود در نسخه عبری شامل ۱۵۰ مزمور است، اما در برخی نسخه‌ها مزمورهایی به آن اضافه شده است. در واقع مزمور ۱۵۱ فصلی است که تنها در نسخه‌های خاصی از کتاب مقدس، مانند کلیسای ارتدکس یونانی یافت می‌شود. این مزمور را پروتستانها و کاتولیکها از کتابهای کانی نمی‌دانند.

## خلاصه

این مزمور شرح حال زندگی‌نامه داود است که در آن داود که جوانترین فرد در بین برادرانش است، از مراقبت خود از گله‌های پدرش، از ستایش خداوند و از مسح خود به عنوان پادشاه اسرائیل توسط سموئیل، و درباره شکست جلیات و همچنین جزئیات کوچکتري از زندگی داود از قبیل توانایی او در موسیقی و نواختن فلوت و جنگ سخن می‌گوید.

مزمور ۱۵۱ تا قرن بیستم صرفاً توسط پژوهشگران کتاب مقدس شناخته شده بود. اما وقتی این مزمور در یکی از غارهای قمران در دریای مرده کشف شد، مورد توجه بیشتری قرار گرفت. نسخه عبری موجود که در دریای مرده کشف شده است کمی متفاوت از آنچه است که در نسخه سبعینیه، به زبان یونانی، دیده می‌شود. نسخه عبری این مزمور را به دو بخش تقسیم می‌کند، اما نسخه سبعینیه آنها را کوتاه و در یک بخش قرار می‌دهد.

در کل ما می‌توانیم از متن و آموزه‌ای که این مزمور ارائه می‌دهد لذت ببریم. اما این مزمور چیزی نیست که ما بتوانیم الهام گرفته شده از طرف خداوند بدانیم، زیرا هیچ اثبات معتبری از صحت کلمات یا نوشتار این مزمور که منتسب به داود باشد وجود ندارد.

## مزامیر ۱۵۱

۱ من در میان برادرانم، از همه کوچکتر بودم،  
 و در خانه پدرم از همه جوانتر بودم،  
 او مرا شبان گله خود کرد؛  
 ۲ با دستانم ابزار موسیقی ساختم،  
 و انگشتانم یک چنگ خلق کرد؛  
 ۳ چه کسی به خداوند من خواهد گفت؟  
 خود خداوند، خود خدا صدای مرا می‌شنود؛  
 ۴ خود خداوند پیام آورش را فرستاد،  
 و مرا جدا کرد،  
 مرا از گوسفندان پدرم جدا کرد؛  
 او روغن مخصوص بر سر من ریخت،  
 و مرا مسح کرد؛  
 ۵ برادران من خوش قیافه و بلند قد بودند،  
 اما خداوند از آنها خشنود نبود؛  
 ۶ من بیرون رفتم تا با فلسطین روبرو شوم،  
 آنها مرا با بُتهایشان طلسم کرده بودند؛  
 ۷ اما من شمشیر خود آنها را از نیام بیرون کشیدم،  
 و سر او را قطع کردم؛  
 و این ننگ و خفت را،  
 از روی اسرائیلیها برداشتم.